

Analyzing Image Schemas of Surah An-Nisa based on Mark Johnson's Linguistic Theory

Seyedeh Sakineh Hosseini ^a, Esmail Eslami ^{b*}, Masoud Bavanpouri^c

^a PhD in Arabic Language and Literature, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran

^b Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran

^c Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

KEYWORDS

cognitive linguistics, Mark Johnson, image schemas, the Holy Qur'an, Surah An-Nisa

Received: 29 April 2024;
Accepted: 20 October 2024

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/paq.2024.2027678.3841

ABSTRACT

One of the theories in cognitive linguistics research, which was first proposed by Mark Johnson, is image schemas. The main point in this theory is that due to human activity, movement and physical presence in the outside world, we gain experiences through our body and living environment that help us organize our thoughts in abstract fields. The language of the Qur'an contains valuable themes and messages, some of which are organized by means of image schemas, and the audience can achieve a deeper understanding of abstract and intangible concepts by visualizing the ayahs. Therefore, the present descriptive-analytical research aims to investigate Johnson's image schemas, that is, containment schema, force schema and path schema in Surah An-Nisa and to identify the most frequent schema and their abstract concepts according to the function of each of them in the interpretative study of the Qur'an. The findings of the research show that containment schemas indicate concepts such as heaven, doubt and suspicion, while force schemas show concepts like disbelief, atheism, and avoiding sins, and path schemas, with the highest frequency, signal concepts such as happiness, dignity and status, respect and descending of revelation and the Qur'an.

* Corresponding author.

E-mail address: es.eslami1359@iau.ac.ir

©Author





واکاوی طرحواره‌های تصویری سوره نساء بر مبنای نظریه زبان‌شناختی مارک جانسون

سیده سکینه حسینی^{الف*}، اسماعیل اسلامی^ب، مسعود باوان پوری^ج

^{الف} دکترای زبان و ادبیات عربی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران، sakinehoseini@ut.ac.ir
^ب استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران، es.eslami1359@iau.ac.ir
^ج استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، mbavanpouri@yahoo.com

واژگان کلیدی	چکیده
زبان‌شناسی شناختی، مارک جانسون، طرحواره‌های تصویری، قرآن کریم، سوره نساء	طرحواره‌ی تصویری از نظریات مطرح در پژوهش‌های زبان‌شناسی شناختی است که برای نخستین بار توسط جانسون مطرح شد. دیدگاه اصلی در این نظریه این است که به دلیل فعالیت، حرکت و حضور فیزیکی انسان در جهان بیرون، از طریق بدن و محیط زندگی خود تجربه‌هایی کسب می‌کنیم که ما را در سازماندهی افکارمان در حوزه‌های انتزاعی یاری می‌رساند. زبان قرآن حاوی مضامین و پیام‌های ارزشمندی است که برخی از آن‌ها با طرحواره‌های تصویری ساماندهی می‌شوند و مخاطب می‌تواند با تصویرسازی آیات به درک عمیق‌تری از مفاهیم انتزاعی و نامحسوس دست یابد. لذا پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی سه گروه طرحواره‌های تصویری جانسون مانند طرحواره حجمی، قدرتی و حرکتی در سوره نساء بپردازد و همین‌طور پربسامدترین طرحواره و مفاهیم انتزاعی آن‌ها را با توجه به کارکرد هر یک از آن‌ها در مطالعه تفسیری قرآن با روش توصیفی تحلیلی بررسی نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طرحواره‌های حجمی بر مفاهیمی چون بهشت، تردید و گمان دلالت دارند و طرحواره‌های قدرتی بیشتر بر مفاهیمی مانند کفر، عدم ایمان و دوری از گناهان دلالت دارند و طرحواره‌های حرکتی بر مفاهیمی چون سعادت‌مندی، عزت و مقام، احترام و نزول وحی و قرآن دلالت دارند و این نوع طرحواره از بالاترین بسامد برخوردار است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۹	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی رویکردی نوین و یکی از مهم‌ترین مکاتب علم زبان‌شناسی است که ریشه در حیطه علوم شناختی و حوزه ساختارهای زبانی بر اساس شناخت و تجربیات زیستی دارد. به عقیده پیروان این دیدگاه شناختی، زبان نیز همانند فکر و اندیشه دارای نظام و ساختار می‌باشد. از دیدگاه آنان، ساختار نظام‌مندی که در زبان وجود دارد نظام فکر و اندیشه ما را هم منعکس می‌سازد، لیکاف و جانسون به این نتیجه دست یافته‌اند که مفاهیم انتزاعی و غیر ملموس در ذهن انسان با استفاده از مفاهیم عینی و ملموس و با بهره‌گیری از ابزار زبان سازمان‌بندی می‌شوند. (راسخ مهند، ۱۳۹۳ش: ۱۳ و ۱۲) زبان‌شناسی شناختی به عنوان جزء لا ینفک جنبشی گسترده‌تر که در آن گروه قابل توجهی از دانشمندان علوم شناختی از نقاط مختلف جهان درگیر بودند برای دستیابی به شرحی رضایت بخش از طبیعت شناخت انسان و به طور خاص به معنای زبانی شکل گرفت. جنبه زبانی این تلاش گسترده، زبان‌شناسی

شناختی نام گرفت. (بارسلونا، ۱۳۹۰ ش: ۹؛ به نقل از ذوالفقاری و عباسی، ۱۳۹۴ ش: ۱۰۸ و ۱۰۹)

یکی از مفاهیم اساسی زبان‌شناسی شناختی، مفهوم طرحواره‌های تصویری است. این اصطلاح در علم زبان‌شناسی برای نخستین بار توسط جانسون به کار گرفته شد. از دیدگاه او حرکات بدنی انسان‌ها و ارتباط حسی آن‌ها با دنیای خارج، از الگوهای تکرار شونده‌ای تبعیت می‌کنند که طرح‌واره‌های تصویری نامیده می‌شوند. (توکل‌نیا و حسومی، ۱۳۹۵ ش: ۴۷) از آن جایی که قرآن کریم دارای مفاهیم غیر ملموس و لایه‌های معنایی متفاوت است لازم درک آن‌ها به کارگیری ابزاری است که امور مجرد و انتزاعی را ملموس و قابل درک سازد. طرحواره‌های تصویری از جمله ابزارهایی است که می‌تواند برای بررسی و تحلیل دقیق معانی و مفهوم عبارات و واژگان بسیار مفید باشد و روش مناسبی جهت درک بسیاری از مفاهیم ذهنی قرآن به شمار آید و دسترسی به مفاهیم انتزاعی پیچیده و لایه‌های پنهان متن را برای مخاطب فراهم سازد. همین امر سبب شده تا توجه محققان را به خود جلب نماید. پس نظریه طرحواره‌های تصویری یکی از ابزارهای کارآمد زبان‌شناسی شناختی است که کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان معنا به صورت عینی به تصویر کشیده شوند. لذا این پژوهش به منظور شناخت مفاهیم غیر مادی و مجرد در سوره نساء به نگارش درآمده و با توجه به ساختار این سوره به بررسی طرحواره‌های تصویری سه گانه جانسون جهت فهم بهتر مطالب می‌پردازد. با توجه به این که متن قرآن نمونه‌ای از متون دینی و دارای معانی عمیق و ناشناخته‌ای است شایستگی آن را دارد که برای تبیین آن‌ها به دانشی تکیه کرد که مفاهیم انتزاعی را به بحث و بررسی گذاشته باشد. پس نظریه طرحواره‌های تصویری نیز از نمونه بارز این دانش‌ها است.

به منظور بررسی طرحواره‌های تصویری سوره نساء ابتدا کل متن سوره مورد بررسی قرار می‌گیرد سپس عبارات زبانی حاوی طرحواره‌های تصویری در واحدهای واژگانی استخراج و مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

۲. سؤالات پژوهش

- ۱- طرحواره‌های تصویری سوره نساء جهت تصویرسازی کدامین مفاهیم انتزاعی به کار رفته‌اند؟
- ۲- کدام یک از طرحواره‌های سه گانه در تبیین مفاهیم انتزاعی سوره نساء بیشترین بسامد را دارند؟

۳. پیشینه پژوهش

- خسروی و دیگران (۱۳۹۳ ش) در مقاله "بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآنی (با تمرکز بر طرح حجمی، حرکتی و قدرتی)". نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خداوند در قرآن کریم از روش‌های متفاوتی برای بیان آیات استفاده نموده و یکی از این روش‌ها، طرحواره‌های تصویری است که خداوند مفاهیم انتزاعی آیات را برای مردم ترسیم می‌سازد و این طرح‌ها پدیده‌های جهان خلقت را قابل لمس به تصویر می‌کشند.

- توکل‌نیا و حسومی (۱۳۹۵ ش) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی طرحواره‌های تصویری حرف "فی" در قرآن با تکیه بر نظریه‌ی جانسون در معناشناسی شناختی". این مقاله نشان می‌دهد که خداوند با استفاده از حرف "فی" و امثال آن مفاهیم غیر قابل لمس را با جاندار پنداری در مقابل دیدگان مخاطب تصویرسازی می‌کند و از جمله‌ی این طرح‌هایی که با حرف "فی" کد گذاری شده طرح فضا است که در آن امور انتزاعی در جهات مختلف ترسیم شده‌اند.

- قائمی و ذوالفقاری (۱۳۹۵ ش) در مقاله "طرحواره‌های تصویری در حوزه سفر زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن". یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در زبان قرآن کریم انواع طرحواره‌های قدرتی، حرکتی، حجمی، نزدیکی،

دوری، موقعیت عقب و جلو در حوزه زندگی دنیوی و اخروی به کار رفته و تنوع و پویایی این طرحواره‌ها سبب شده تصور کاملی نسبت به شرایط انسان به عنوان یک مسافر در دنیا و آخرت شکل گیرد.

-عابدی جزینی و دیگران (۱۳۹۷ش) در مقاله "بررسی طرحواره‌های تصویری عذاب در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی". این پژوهش نشان می‌دهد که خداوند با طرحواره‌های تصویری متعدد از جمله حجمی، نیرو (ممانعت و اجبار)، خطی و عقب و جلو، مفهوم انتزاعی واژه عذاب را با استفاده از تعامل با پدیده‌های خارجی، گستره معنایی بخشیده است.

شاملی و حاجی قاسمی (۱۳۹۷ش) در مقاله "بسط استعاری مفاهیم ذهنی مرتبط با روز قیامت در قرآن کریم از منظر معنا شناختی (براساس طرحواره‌های تصویری حجمی)". نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بیان معانی مجرد و ذهنی با استفاده از تعامل فیزیکی انسان با پدیده‌های جهان خارج، گستره و حوزه معنایی واژگان را توسعه می‌دهد. به همین دلیل مخاطب می‌تواند مفاهیم ذهنی پیچیده را با توجه به پیوند همنشینی واژگان و عبارات در سیاق کلام رمزگشایی کند.

-اسودی و مدیری (۱۴۰۰ش) در مقاله "بررسی طرحواره‌های تصویری قرآن کریم براساس نظریه جانسون (مطالعه موردی سوره صافات)". نتایج نشان می‌دهد که طرحواره قدرتی از بالاترین بسامد برخوردار است و تقریباً بسامد دو طرحواره حرکتی و حجمی برابر است و این طرحواره‌ها بیشتر در جهت درک عمیق مفاهیم انتزاعی چون کفر، ایمان، قدرت و اراده خداوند و... ایجاد شده‌اند.

در رابطه با سوره نساء نیز پژوهش‌هایی انجام شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

-اشرف جناتی (۱۳۹۹ش) در مقاله "الگوی عفاف بر مبنای تحلیل محتوایی سوره نساء". این پژوهش نشان می‌دهد که عفاف در این سوره در حوزه‌های رفتاری، گفتاری، مالی و خویشتن داری دارای ابعاد وسیعی است و نه تنها برای زنان بلکه برای زن و مرد ضرورت دارد. در این سوره عفاف رفتاری از بالاترین بسامد برخوردار است و این امر نشان می‌دهد که عفاف باید بیشتر در رفتار انسان‌ها نمود یابد.

-نجمه محیایی و دیگران (۱۳۹۹ش) در مقاله "سبک‌شناسی سوره نساء براساس تحلیل زبانی، ادبی و فکری". یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تمامی واژگان مفرد، جمع، معرفه و نکره در این سوره متناسب با محتوای آیه در جایگاه خود ذکر شده‌اند و در سطح صوتی و آوایی نیز یک نوع تناسب و توازن در موسیقی و ایقاع به چشم می‌خورد.

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که تاکنون درباره بررسی طرحواره‌های تصویری سوره نساء به صورت مستقل پژوهشی صورت نگرفته است. پس بررسی طرحواره‌های این سوره با تکیه بر نظریه زبان شناختی مارک جانسون موضوعی جدید به شمار می‌رود.

۴. نظریه طرحواره‌های تصویری جانسون

اصطلاح طرحواره‌های تصویری نخستین بار در سال ۱۹۸۷ میلادی همزمان در کتاب «بدن در ذهن» نوشته مارک جانسون و کتاب «زن‌ها، آتش و خطر» نوشته جورج لیکاف مطرح شد. برداشت هر دو نظریه پرداز از این اصطلاح، یک بخش اساسی از تعبیر خاستگاه‌های جسمی شده‌ی اندیشه و مقصود انسان بود. ضمن آن که به محورهای فلسفه،

روانشناسی عمیق و مباحث زبان‌شناسی توجه ویژه‌ای داشتند. (Johnson, 2005, p 15)

از نظر جانسون طرحواره‌های تصویری ویژگی‌های تصویری غنی یا ذهنی را ندارند بلکه ساختار و نظام‌هایی هستند که تصاویر ذهنی ما را در یک سطح عام‌تر و انتزاعی بالاتر از تصویرهای عینی سازماندهی می‌کنند که ما در آن تصویرهای خاص ذهنی تشکیل می‌دهیم. (جانسون، ۱۳۹۸ ش: ۷۶) این طرحواره‌ها در سطحی از سازمان ذهن عمل می‌کنند که بین ساختارهای انتزاعی از یک طرف و تصویرهای عینی از طرف دیگر قرار دارد و این حوزه‌های انتزاعی بر مبنای حوزه‌های ملموس‌تر ادراک می‌شوند. بنابراین طرحواره‌های تصویری از مهم‌ترین ابزارهایی هستند که در جهت عینی‌سازی مفاهیم مجرد و انتزاعی به کار گرفته می‌شوند.

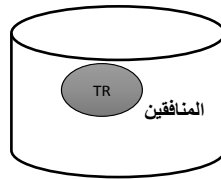
به عقیده جانسون (۱۹۸۷) نظریه طرحواره‌های تصویری با فرضیه شناخت و درک جسمی شده در ارتباط است. این که ما در محیطی خاص زندگی می‌کنیم، حرکت می‌کنیم، غذا می‌خوریم، سبب می‌شود که هر روز با دنیای پیرامون خود و الگوهای آن در تعامل باشیم. درک این الگوها جسمی شده است یعنی حاصل ارتباط و سروکار جسم ما با آنان است. مثلاً می‌بینیم اگر داخل یک لیوان آب بریزیم لیوان کم کم پر می‌شود و سطح آب بالا می‌آید و اگر بیشتر از ظرفیت آن آب بریزیم سرریز می‌شود. این درک و تجربیات عینی در محیط فیزیکی باعث می‌شود که ما مفاهیم انتزاعی و نامحسوس را نیز به این صورت متوجه شویم. (راسخ مهند، ۱۳۹۳ ش: ۴۶) پس می‌توان از مفاهیم و تجارب جسمی شده در جهت درک مفاهیم انتزاعی بهره جست و می‌توان گفت که موضوع طرحواره‌ها با مفاهیم جسمی شده و ساختارهای معنی‌دار ارتباطی تنگاتنگ دارند و این طرحواره‌ها ساختارهایی هستند که حاصل تعاملات روزمره ما و تجارب جسمی شده ما هستند که در ایجاد نظام مفهومی نقشی مؤثر دارند. تجربیات ما نسبت به دنیای پیرامون، ساختارهایی مفهومی در ذهن ما به وجود می‌آورند و این ساختارها همان طرحواره‌های تصویری‌اند. ما به دلیل حرکت و حضور فیزیکی در دنیای واقعی از طریق محیط اطرافمان تجاربی بدست می‌آوریم که ما را در سازمان دهی افکارمان در حوزه‌های مجرد و انتزاعی یاری می‌رساند.

طرحواره‌های تصویری پایه‌های نظام مفهومی و ساختار معنایی زبان هستند و در روش اندیشه و تفکر ما نقش اساسی ایفا می‌کنند چرا که تجارب جسمی شده و نحوه تعامل انسان با محیط، مسیر خود را به ذهن پیدا می‌کنند و به درون مفاهیم مجرد و نا آشنا وارد می‌شوند. با توجه به دیدگاه‌هایی که لیکاف و جانسون در کتاب خویش مطرح نموده‌اند فهرست اصلی طرحواره‌های تصویری عبارتند از: طرحواره‌های حجم، مبدأ، مسیر، مقصد، اتصال، کل، جز، مرکز، حاشیه، بالا، پایین و چند طرحواره مرتبط با توانمندی یعنی قدرت، انسداد، جذب، فشار، مانع، انتقال و تغییر مسیر. (صفوی ۱۳۹۵ ش: ۴۲۶) طرحواره‌های تصویری دارای اقسام متعددی است که می‌توان به مهم‌ترین آن‌ها اشاره کرد:

۴. ۱. طرحواره حجمی

طرحواره حجمی یکی از مهم‌ترین طرحواره‌های تصویری است که با قدرت تخیل و تجسم، به معانی نا آشنا قابلیت جسمانی می‌دهد. این طرح‌ها به تجربیات حسی مربوط می‌شوند این بدان معنا است که آن‌ها در اصل از پیش مفهومی هستند بدین صورت که مسائل مربوط به مفهوم طرحواره حجمی (ورود و خروج از ظرف و مکان) از تجربیات و اطلاعات ملموس که برای انسان قابل درک است در مراحل اولیه رشد ناشی می‌شوند. این طرحواره از تجربه‌های قرارگرفتن ما در محیطی محصور و یا قرار دادن اشیاء در ظروف است که در گفت و گوهای روزمره با کاربرد فراوان

واژگانی مانند (داخل و خارج) بروز می‌یابد. طرحواره حجمی، دارای ساختاری داخلی و مرزی (TR) و بیرونی (LM) است و این عناصر، حداقل شرایط مورد نیاز برای یک طرحواره حجمی هستند. (Evans & Green, 2006: 181). ایوانز و گرین همواره به معرفی طرحواره حجمی می‌پردازند:



شکل ۱. طرحواره حجمی LM-الدرك

در این طرحواره (TR) درون مرزنا (LM) قرار گرفته و به طور کامل در آن محصور شده است که برای مثال می‌توان به آیه زیر اشاره نمود:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا». ۱۴۵/نساء

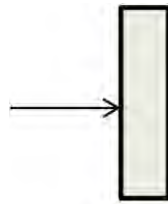
پس با توجه به انتخاب این واژگان می‌توان گفت که منافقان در مکانی از دوزخ قرار دارند و این مکان یعنی قعر دوزخ، منافقان را به طور کامل در انحصار خود درآورده و آن‌ها را محبوس ساخته است و چون خداوند این افراد را در بدترین عمق و نقطه جهنم قرار داده هرگز برای آنان یار و یاور نخواهد بود.

۲.۴. طرحواره نیرو

طرحواره نیرو به خوبی نشان می‌دهد که طرحواره‌های تصویری تعاملی اند یعنی حاصل تعامل و ارتباط جسمی ما با دنیای اطراف هستند زیرا ما نیرو را در تعامل با جهان پیرامون خود درک می‌کنیم، وقتی سنگ بزرگی در مسیری قرار گرفته و قصد داریم آن را از سر راه برداریم، یا وقتی ماشینی را هل می‌دهیم تا روشن شود و سپس حرکت نماید، تعاملی بودن مفهوم نیرو را متوجه می‌شویم. (راسخ مهند، ۱۳۹۳ ش: ۴۷-۴۸) جانسون درباره طرحواره تصویری نیرو معتقد است که «ما باید به صورت عینی تر و ملموس‌تری نشان دهیم که چگونه تجربه‌های فیزیکی بدنی همراه با نیرو به ساختارهای طرحواره تصویری معنی منجر می‌شوند، شناسایی برخی گشتالت‌های طرحواره تصویری خاص‌تر برای نیرو و روابط نیروست». (جانسون، ۱۳۹۸ ش: ۱۰۶) طرحواره نیرو شامل چندین طرحواره تصویری مرتبط است که با هم طرحواره نیرو را می‌سازند برخی از این طرحواره‌ها عبارتند از: طرحواره تصویری مانع، کنار زدن مانع و توانمندی. (راسخ مهند، ۱۳۹۳ ش: ۵۱)

۳.۴. طرحواره تصویری مانع

الف. با ازدواج راه ادامه تحصیل را به روی خود بست.
ب. گرفتار مصیبتی شدم که نه راه پیش دارم و نه پس.
در این مثال‌ها مانع پیش رو محکم است و در واقع سبب توقف حرکت می‌شود. به همین دلیل در این طرحواره نیرو، انگار کاری جز ماندن پشت سد یا مانع وجود ندارد. (راسخ مهند، ۱۳۹۳ ش: ۵۱)



شکل ۲. طرحواره تصویری مانع

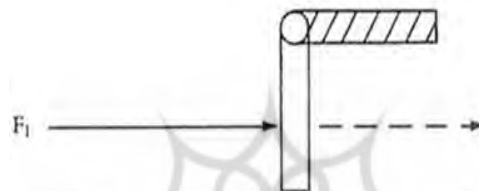
۴. ۴. طرحواره تصویری کنار زدن مانع

در این حالت، انسان در راه خود با سدی روبه رو می‌شود اما قدرت آن را دارد که سد را پشت سر بگذارد و از آن عبور کند.

الف. با هر سختی بود کنکور را پشت سر گذاشتم.

در این طرحواره، حرکت ادامه پیدا می‌کند و امکان رفع مانع یا سد وجود دارد. جانسون طرحواره رفع مانع را در

قالب شکل زیر معرفی می‌کند:

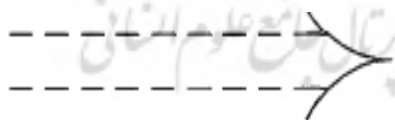


شکل ۳. حذف مانع

«طرحواره حذف مانع وضعیتی را به وجود می‌آورد که به دلیل حذف مانع قدرت، انرژی آزاد می‌گردد. این وضعیتی مانند تکیه دادن به در را توصیف می‌نماید که ناگهان باز می‌گردد.» (Evans & Green, 2006: 188)

۴. ۵. طرحواره تصویری توانمندی

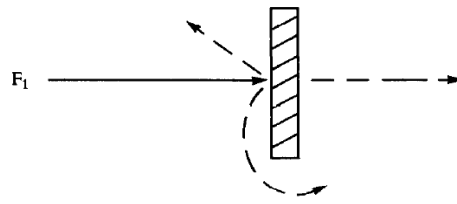
در این طرحواره انسان می‌تواند با نیرو به مسیر خود ادامه دهد و مانع را از پیش رو بردارد و احساسی از توانمندی و نیرو را در خود درک کند. به عقیده جانسون این توانایی بردار بالقوه‌ای از نیرو را تشکیل می‌دهد و ی طرح گشتالتی زیر را برای این طرحواره معرفی می‌نماید:



شکل ۴. توانایی

جانسون تجربه انسداد یا مانع و برهم کنش نیرو و مانع را این گونه تبیین می‌کند وقتی بچه از زمان کودکی می‌آموزد که راه برود ممکن است در طی حرکت خویش با موانع متعددی روبه رو شود این موانع می‌تواند در کل زندگی انسان‌ها تکرار گردد و سدی جلوی وی ایجاد نماید که واکنش انسان‌ها نیز بسته به قدرت آن‌ها متفاوت است بدین ترتیب یا در برابر مانع متوقف می‌شود و از ادامه اعمال نیرو دست بر می‌دارد یا مسیر خود را تغییر می‌دهد و مسیر دیگری را بر می‌گزیند یا می‌تواند تلاش کند از مانع رد شود یا حتی از داخل آن عبور کند. (جانسون، ۱۳۹۸ ش: ۱۰۷)

این برداشت که از زمان بچگی شکل می‌گیرد اساس طرحواره انسداد را تشکیل می‌دهد. نمودار گشتالتی جانسون مطابق شکل زیر می‌باشد:



شکل ۵. انسداد

۶.۴. طرحواره حرکتی

رویداد حرکت یکی از عناصر مهم و اثرگذار در مفهوم سازی است به این صورت که مفاهیم مجرد و انتزاعی پس از ارتقا از حالت ذهنی به مادی قابلیت حرکت یافته‌اند. از نظر لیکاف و جانسون در مسیر طرحواره تصویری حرکتی، یک متحرک وجود دارد که مسافت بین دو مؤلفه مبدأ و مقصد را طی می‌نماید. (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴: ش: ۶۲) مؤلفه مبدأ حاوی مفاهیم عینی و شناخته شده و مؤلفه مقصد حاوی مفاهیم انتزاعی و غیر ملموس هستند که با انطباق ایجاد شده بین این دو مؤلفه، حوزه مقصد، مفهوم سازی می‌شود. پس طرحواره‌های حرکتی مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مبدأ (الف) و مقصد (ب) را نمایش می‌دهند:



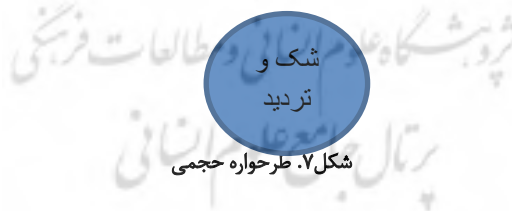
شکل ۶. مسیر (جانسون، ۱۳۹۸: ش: ۸۳)

۵. طرحواره‌های تصویری سوره نساء

۱.۵. طرحواره حجمی

(وَأِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا) (نساء/۱۵۷)

شک در این آیه به مثابه‌ی مکان فرض شده است. شک از امور انتزاعی و مجرد است و حالتی درونی به شمار می‌رود که به احساسات انسان مربوط می‌شود. حرف "فی" مفهوم شک را بر مبنای طرحواره حجمی ترسیم کرده است:



(فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا) (نساء/۱۷۵)

در آیه فوق، "رحمة" به مثابه جایگاه و منزلگاه است که در این آیه به معنای بهشت و ظرف واقع شده است و انسان نیز مظروف آن است. حرف جر "فی" با قرار گرفتن در کنار فعل "یدخل" ورود چیزی در محیطی محصور همراه با صدور قدرت از ناحیه فاعل حقیقی را نشان می‌دهد. پس مفهوم انتزاعی واژه "رحمة" دارای طرحواره حجمی است و به مثابه مکانی است که مومنان را در بر می‌گیرد. خداوند متعال همواره بهشت برین را به عنوان اجر و پاداش مؤمنان قرار داد که خود نوعی لطف، رحمت و سعته، نعمت و محبت است. این آیه بر اساس عناصر طرحواره حجمی به فضای درون اشاره دارد:



شکل ۸. طرحواره حجمی

(تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)
(نساء/۱۳)

در آیه فوق برای بهشت به عنوان یک مکان، حجم در نظر گرفته شده است و حرف "فی" نشان می‌دهد که آن‌ها در مکانی به نام بهشت جاودانه می‌شوند. بهشتی که خداوند اطاعت کنندگان از خود و رسولش را در آن جاودانه می‌سازد. پس بهشت به عنوان ظرفی برای قرار گرفتن مطروف یعنی بندگان مؤمن آماده شده است. بنابراین با توجه به عناصر طرحواره حجمی، آیه مورد نظر به فضای درون اشاره دارد.

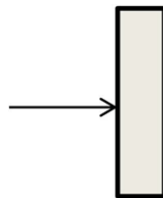
۲.۵. طرحواره تصویری نیرو یا قدرتی

۱.۲.۵. طرحواره مانع یا انسداد

همان طور که بیان شد در این نوع طرحواره در مسیر حرکت و پیشرفت انسان مانعی وجود دارد که ادامه مسیر را با مشکلاتی همراه می‌سازد:

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا) (نساء/۵۶)

در این آیه کنشی چون کفر به آیات الهی با واکنش خداوند متعال همراه شده است. خداوند کافران به آیات الهی را به نار بیم می‌دهد و کسانی که کفر می‌ورزند با این حالت دردناک روبه رو می‌شوند. این بیم دهی در عبارت سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا قابل تشخیص است. صحنه ترسیم شده در آیه فوق بر اساس طرحواره مانع است و سرنوشت افرادی را نشان می‌دهد که به واسطه کفر و ناسپاسی خویش مسیر عذاب و آتش الهی بر آنان هموار شده است. مفهوم انتزاعی کفر که در این آیه ذکر شده، مانعی است در راه هدایت، رستگاری و حرکت انسان به سمت و سوی مناسب که در قالب دستورالعمل قرآنی مطرح شده است، پس این نوع طرحواره نشان می‌دهد که مسیر پیشروی کافران مسدود شده و با عذاب شدیدی نیز روبه رو خواهند شد. پس نتیجه کفر، وارد کردن کافران به آتش دوزخ خواهد بود:

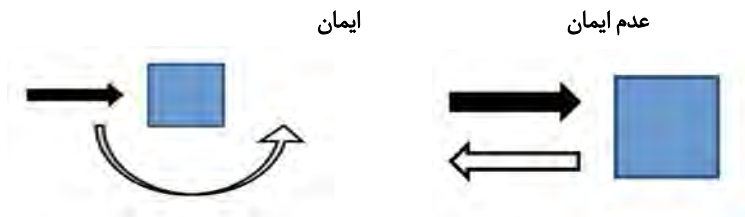


شکل ۹. طرحواره مانع

(فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا) (نساء/۵۵)

کسانی که نتوانند از سد فتنه‌های یهودیان عبور کنند با طرحواره قدرتی نوع اول مواجه‌اند. اما کسانی که به خدا ایمان می‌آورند به راحتی از موانع عبور می‌کنند. بنابراین با طرحواره قدرتی نوع دوم روبه رو هستیم. تهدید یهودیان به

عذاب جهنم از عبارت کفی بَجَهَنَّمَ سَعِيراً قابل دریافت است. عذابی که در روز قیامت همواره برای آنان فراهم است.



شکل ۱۰. طرحواره قدرتی نوع اول و دوم در آیه ۵۵

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أزدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُعْظِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا) (نساء/۱۳۷)

لطف و مغفرت خداوند شامل حال افرادی که بار دیگر کفر ورزیدند نخواهد شد و امیدی نیست که خداوند این افراد را به بهشت و راه حق هدایت کند همان طور که در آیه ۱۶۹ همین سوره می‌فرماید: ولا یهدیهم طریقاً الا طریق جهنم، به راهی جز دوزخ هدایت نمی‌شوند و در آن جاودان خواهند بود و در آیه بعد نیز می‌فرماید: " بشر المنافقین... " پس منظور منافقان هستند که خداوند آنان را به هیچ وجه نمی‌بخشد.

پس با توجه به این آیه در مسیر حرکت منافقان سدی ایجاد شده که هرگز نمی‌توانند از آن عبور کنند.

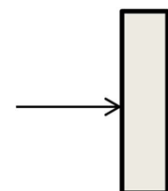


شکل ۱۱. طرحواره مانع

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا) (نساء/۱۶۷) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُعْظِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا) (نساء/۱۶۸)

عبارت «ضلال بعید» به گمراهی مضاعف کافران اشاره دارد. کفر، يك گمراهی است و مانع شدن از ایمان دیگران، گمراهی دیگر. خداوند آن‌ها را به راهی جز جهنم هدایت نخواهد کرد و هرگز از عفو و بخشش الهی بهره نخواهند برد. در آیه ۱۶۸ نیز بار دیگر به سرنوشت تلخ کافران اشاره نموده تا محتوای آیه قبل را برای تثبیت بیشتر تأکید نماید و نشان دهد که این تهدید به صورت حتمی صورت می‌گیرد.

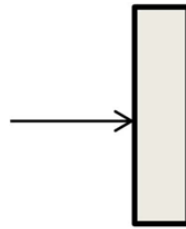
انسان به دلیل تعامل با بردار نیروی کفر و ظلم، راه مستقیم را به روی خود می‌بندد و مغفرت و هدایت الهی را برای همیشه از خود سلب می‌کند.



شکل ۱۲. طرحواره مانع

(وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ) (نساء/۱۴)

بر اساس طرحواره قدرتی برای نافرمانان از خدا و پیامبر (ص) مانع سختی به وجود خواهد آمد که نمی‌توانند آن مانع را از پیش روی بردارند یا دور بزنند و یا با تغییر مسیر به حرکت ادامه دهند. پس این آیه طرحواره قدرتی نوع اول می‌باشد. چنین اعمال ناشایستی مسیر جهنم را برای آن‌ها هموار می‌سازد. پس با توجه به آیات قرآن، عمل نکردن به دستورات خداوند به عنوان سدی در مقابل انسان قرار می‌گیرد که راه رسیدن به سعادت همیشگی را به روی وی می‌بندد. نافرمانی از خدا و فرستاده او و تجاوز از حدود الهی یکی از مفاهیم انتزاعی است که با کمک طرحواره تصویری نشان داده شده است:



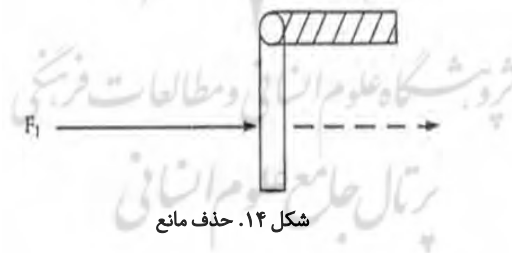
شکل ۱۳. طرحواره مانع

۵.۲.۲. طرحواره حذف مانع

(تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)

(نساء/۱۳)

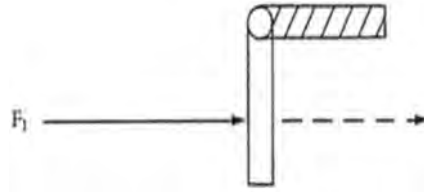
راه گذر از مانع و وارد شدن به بهشت، اطاعت از خداوند و پیامبر (ص) است. پس انسان‌ها در برابر کارهای شایسته خود بهشت را به ارث می‌برند و در آن جاودانه می‌شوند. عدم رعایت حدود خدا و نافرمانی از او و رسولش (ص) مانعی در راه رسیدن به بهشت و جاودانه شدن انسان‌هاست و چنین اعمال ناشایستی مسیر جهنم را برای آن‌ها هموار می‌سازد. در این حالت، عامل رفع موانع در مفاهیم انتزاعی مانند اطاعت و بندگی نمود می‌یابد که بر اساس نیروی فیزیکی مفهوم سازی شده اند.



شکل ۱۴. حذف مانع

(إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا) (نساء/۳۱)

در آیه ۳۱ این سوره، مفاهیم اخلاقی چون دوری از گناهان به مثابه‌ی نیرویی مفهوم سازی شده که موانع رستگاری را از میان بر می‌دارد. دو فعل "نکفر و ندخل" مستلزم کاربرد قدرت و نیرویی است که به وسیله‌ی مفاهیم انتزاعی دوری از گناهان اعمال خواهد شد. لذا حوزه‌های مقصد مانند وارد شدن به جایگاهی نیکو و ارزشمند به مانند نیروی محرک و سبب سازی هستند که رهایی از گناهان کوچک (سبب پذیر) حاصل این نیرو می‌باشد. پس بنابر تحلیل شناختی مفاهیمی که به عنوان ویژگی‌های اخلاقی ذکر شده اند قابلیت تطابق با طرحواره کنار زدن مانع را دارند چون به مثابه نیرویی عمل می‌کنند که موانع را از مسیر عبودیت برطرف می‌کنند و راه سعادت و دست یابی به جایگاه ارزشمند اخروی را بیش از پیش فراهم می‌سازند.



شکل ۱۵. حذف مانع

۳.۵. طرحواره توانمندی

(الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا) (نساء/۷۶)

روش شیطان چیزی جز سستی و ضعف نخواهد بود فعل "کان" نشان می‌دهد که ناتوانی در تمام حالات و شرایط لازمه‌ی شیطان است و اراده وی نسبت به اراده مؤمنان و نصرت الهی سست تر و ضعیف تر است. عبارت پایانی ان کید الشیطان... حاوی این پیام است که سرانجام نقشه، حيله و وسوسه شیطان ناکامی همیشگی است.

طرحواره این آیه در مفهوم سازی شیطان در قرآن به صورت عدم توانایی به دلیل ناکافی بودن نیروها دیده می‌شود. به طوری که خداوند اجازه نمی‌دهد نیروی شیطان بر مؤمنان اثر کند. این طرحواره نقش مؤثر شیطان در رابطه با گمراهی و هدایت انسان‌ها را بیان می‌نماید. براساس این طرحواره و با بهره‌گیری از مفاهیمی مانند توطئه و نیرنگ، شیطان به عنوان نیرویی که انسان‌ها را از مسیر عبودیت خدا دور می‌سازد مفهوم سازی شده است این مفهوم سازی می‌تواند بر مبنای تجاربی چون منحرف شدن از راه بندگی خدا و قدم گذاشتن در مسیر طغیان باشد و مفاهیمی چون ایمان و عبودیت خدا می‌تواند به صورت مانعی در برابر نیرو و قدرت شیطان مفهوم سازی گردد. پس مؤمنان می‌توانند با پایداری خویش و اراده خداوند بر نیروی شیطان غلبه یابند و آن را حقیر و ناچیز جلوه دهند و توانمندی خود را به نمایش بگذارند.



شکل ۱۶. توانمندی

۴.۵. طرحواره تصویری حرکتی

در نظریه لیکاف و جانسون ادعا بر این است که «آن چه تفاوت حوزه مبدأ و مقصد را می‌سازد عینی بودن حوزه مبدأ و ذهنی و انتزاعی بودن حوزه مقصد است. به این معنی که حوزه‌های مقصد، انتزاعی‌تر از حوزه‌های مبدأ هستند و مبدأ برای مقصد، ساختاری را ایجاد می‌کند که بتوان به تصورات انتزاعی اندیشید و به آن‌ها فکر کرد». (پوراابراهیم، ۱۳۹۶ش: ۱۸۴) در آیه زیر نیز ملاحظه می‌شود که درباره حوزه مقصد می‌توان آن را همچون حوزه‌ای مجرد و انتزاعی قلمداد کرد:

(وَلَهْدِيَنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا) (نساء/۶۸)

این آیه مبتنی بر طرحواره حرکتی برای مفهوم انتزاعی هدایت است که با نسبت دادن صراط مستقیم به آن به عنوان مسیری در نظر گرفته شده که باید طی شود. این مثال نمونه‌ای از کاربرد استعاره "زندگی سفر است" می‌باشد. قدم گذاشتن در راه الهی و پیمودن مسیر عبودیت و بندگی به مثابه راهی مستقیم ذکر شده که بندگان مؤمن و مطیع به

آن هدایت می‌شوند. "صراط مستقیم" از مفاهیم مهمی به شمار می‌رود که برای شفاف‌سازی و انتقال مفهوم آن در بسیاری از آیات قرآن از طرحواره‌های تصویری استفاده شده است. با توجه به فعل حرکتی "هَدَيْنَاهُمْ" خداوند متعال انسان را به مثابه‌ی مسافر و به عنوان یک شیء متحرک در مسیری با خود همراه می‌سازد و او را به پیش می‌برد تا به مقصد و هدفی مطلوب دست یابد. این فعل حرکتی در این تعبیر برای مفهوم بهبود در اعتقادات و اعمال و در نهایت رستگاری و سعادت انسان‌ها به کار رفته است. پس می‌توان هدایت انسان‌ها را نوعی پیشرفت دانست که به صورت حرکتی رو به جلو مفهوم‌سازی شده است.

استعاره، "زندگی سفر است"، در قرآن با زندگی اخلاقی در ارتباط است و همواره ساختاری دوگانه دارد به این معنی که زندگی ممکن است در مسیری خوب یا بد طی شود که همان مسیر هدایت یا گمراهی می‌باشد و این دوگانگی مسیر با دوگانگی مسافران راه خدا و یا مسافران راه غیر خدا ارتباط دارد. (حجازی، ۱۳۹۷ ش: ۱۷) پس می‌توان گفت که هدایت و راهنمایی انسان‌ها به نوعی حرکت یا سفر در راه الهی است. آیه فوق به لطف و نعمتی اشاره دارد که از جانب خداوند متعال به صورت هدایت و به عنوان پاداشی به افراد شایسته وعده داده شده است.

(وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا...) (نساء/۵۷)

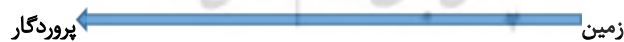
در آیه فوق فعل "تجری" دارای طرحواره حرکتی است. جریان داشتن کاملاً با حرکت همراه است. با توجه به این آیه مقصد بهشت است و این نهرها از مبدایی به سوی مقصد در جریان اند. در این آیه از دو طرحواره حرکتی و حجمی (فیها) برای شفاف‌سازی بیشتر استفاده شده است.



شکل ۱۷. مسیر و مقصد

(بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا) (نساء/۱۵۸)

در این آیه نیز برای بیان عروج عیسی (ع) به آسمان و قرار گرفتنش نزد خداوند از طرحواره حرکتی استفاده شده است و در واقع می‌توان گفت که حرکت جسمی و روحی عیسی (ع) را تصویرسازی نموده است. پس این آیه دارای طرحواره حرکتی رو به بالا (صعود) می‌باشد که بیانگر احترام، حمایت و بزرگداشت مقام و منزلت عیسی (ع) نزد خداوند است:

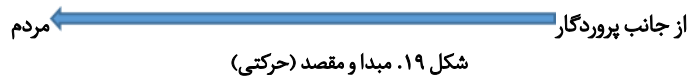


شکل ۱۸. مبدا و مقصد (حرکتی)

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا) (نساء/۱۷۴)

خداوند در این آیه با استفاده از طرحواره حرکتی، مفهوم انتزاعی (نزول قرآن) را با مفهوم ملموس و عینی (سفر) در ذهن‌ها تداعی نموده است. قرآن کریم چون مسافری برای راهنمایی، نجات و هدایت انسان‌ها سفری را شروع کرده و مسیری که قرار است طی گردد انتزاعی است اما با حرکتی که برای انسان‌ها آشنا و ملموس است تصویرسازی شده تا برای همگان قابل درک باشد. چون اختصاص یافتن سفر به نزول قرآن و آیات الهی امری مجرد و انتزاعی به شمار می‌رود اما اختصاص سفر به مسافر امری ملموس و عینی است و طرحواره "نزول آیات قرآن به مثابه سفر است" شکل گرفته پس این طرحواره می‌تواند شناخت عمیق و مؤثری از مفهوم انتزاعی حرکت را برای قرآن ترسیم سازد.

پس دو فعل "جاء و أنزل" دارای طرحواره حرکتی است و هر دو صحنه، حرکت عمودی را نشان می‌دهند. این آیه هم مبدأ و هم مقصد را برای مخاطب تصویر سازی می‌کند. مبدأ حرکت از طرف خداوند متعال و نقطه پایان این حرکت‌ها تمام مردم است. پس مردم چون نقطه ثابتی هستند که قرآن کریم به سوی آن‌ها حرکت کرده است. برای این دو طرحواره شکل زیر را می‌توان ترسیم نمود:



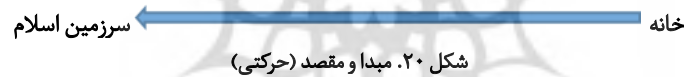
فعل "أنزل" در این تعبیر برای مفهوم سازی نزول قرآن به کار رفته و قرآن کریم و آیاتش به مثابه شیء متحرکی که از موقعیتی بالا به موقعیتی پایین فرود می‌آید مفهوم سازی شده است و فعل "جاء" نیز یکی از پر بسامدترین افعال حرکتی است که به عنوان حوزه مبدأ در شکل‌گیری مفاهیم متعدد در قرآن کریم به کار رفته است و از جمله مفاهیمی که با این فعل مفهوم سازی شده مفهوم قرآن کریم است.

(... وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا) (نساء/ ۷۹)

فعل أرسل در بیشتر موارد دارای ساختاری استعاره‌ای است و برای مفهوم نبوت در قرآن به کار رفته است. پس آیه فوق نیز به حرکت از مبدأ به مقصد اشاره نموده است.

(وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) (نساء/ ۱۰۰)

آیه فوق نیز به حرکت از مبدأ به سوی مقصد اشاره دارد که می‌توان به صورت شکل زیر ترسیم نمود:



۶. نتیجه‌گیری

- قرآن کریم از جمله متون دینی است که با بهره‌گیری از تصاویر ملموس و عینی به ارائه مفاهیم انتزاعی می‌پردازد و همواره برای بیان حقایق و مفاهیم از روش‌های متعددی چون تصویرپردازی مدد می‌گیرد و با پرده برداشتن از حالات و شرایط نفسانی انسان به تعمیق رویدادها و مفاهیم دینی می‌پردازد.

- طرحواره‌های تصویری سوره نساء با تکیه بر نظریه مارک جانسون در سه نوع حجمی، قدرتی و حرکتی قابل تبیین و بررسی است. طرحواره‌های حجمی بر مفاهیمی چون بهشت، تردید و گمان، عدم یقین، انحطاط، علو و ارتقا و جهنم دلالت دارند و طرحواره‌های قدرتی بیشتر بر مفاهیمی مانند کفر، عدم ایمان، دوری از گناهان، اطاعت از خدا و پیامبر (ص)، نافرمانی و دوری از اعمال ناشایست دلالت دارند و طرحواره‌های حرکتی بر مفاهیمی چون سعادت‌مندی، عزت، مقام، احترام، نزول وحی و قرآن دلالت دارند و این نوع طرحواره در سوره نساء از بالاترین بسامد برخوردار است.

- طرحواره قدرتی این سوره در سه نوع طرحواره مانع، طرحواره رفع مانع و طرحواره توانمندی قابل بررسی است. از میان این سه نوع طرحواره قدرتی، طرحواره کنار زدن مانع کاربرد بالایی دارد و از طریق مفاهیمی چون فرمانبرداری از خدا و فرستاده اش، دوری گزیدن از گناهان و... نمود یافته است.

- از میان طرحواره‌های سه گانه یعنی حجمی، قدرتی و حرکتی، طرحواره قدرتی در زمینه‌های تغییر کنش‌های

رفتاری مانند عدم کفر، ایمان به خدا و اجتناب از گناهان و همین‌طور ارائه راه‌حلی مناسب جهت عدم رویارویی با موانع نقش بارزتری دارد.

- با توجه به نمونه‌های ارائه شده و با توجه به سیاق آیات، مقصد حرکت در طرحواره‌های حرکتی امری ملموس‌تر است و نسبت به مبدأ و مسیر، تاکید بیشتری بر روی آن صورت گرفته است.

۷. منابع

- قرآن کریم

۱. بارسلونا، آنتونیو (۱۳۹۰ش)، استعاره و مجاز با رویکردی شناختی. فرزانه سجودی؛ لیلا صادقی؛ تینا امراللهی، مترجم تهران: نقش جهان.
۲. پور ابراهیم، شیرین (۱۳۹۶ش)، انسان‌نگاری مفاهیم مجرد در زبان قرآن از دیدگاه شناختی. فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال ۶، شماره اول، ۱۷۷-۱۸۸.
۳. توکل نیا، مریم؛ و حسومی، ولی‌الله (۱۳۹۵ش)، بررسی طرحواره‌های تصویری حرف "فی" در قرآن با تکیه بر نظریه جانسون در معناشناسی شناختی، دو فصلنامه تفسیر پژوهی، سال سوم، شماره ۵، ۴۶-۸۰.
۴. جانسون، مارک (۱۳۹۸ش)، بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تخیل و استدلال، جهان‌شاه میرزابیگی، مترجم، تهران: آگاه.
۵. حجازی، سیده شیرین؛ و بهار زاده، پروین؛ و افراشی، ازیتا (۱۳۹۷ش)، تحلیل شناختی استعاره‌های مفهومی حرکت در قرآن کریم. فصلنامه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال دوم، شماره ۳، ۱-۲۱.
۶. ذوالفقاری، اختر؛ و عباسی، نسرين (۱۳۹۴ش)، استعاره مفهومی و طرحواره‌های تصویری در اشعار ابن‌خفاجه، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال سوم، شماره ۳، ۱۰۵-۱۲۰.
۷. راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۳ش)، درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی، نظریه‌ها و مفاهیم، چاپ چهارم، تهران: سمت.
۸. صفوی، کوروش (۱۳۹۵ش)، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۹. لیکاف، جورج؛ و جانسون، مارک (۱۳۹۴ش)، فلسفه جسمانی: ذهن جسمانی و چالش آن با اندیشه غرب، جهان‌شاه میرزابیگی، مترجم تهران: آگاه.

10. Johnson, Mark (2005) The philosophical significance of image schemas. From perception to.

11. Evans, Vyvyan, Green, Melanie, (2006), Cognitive linguistics an introduction, Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.